

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : ش. حمید

25 آگست 2013

شعر از "چاووش"

شعرهای مقاومت از مجموعه "سرود ابدیت" (چارم) عشق زندگی

معشوق من کجاست

معشوق زندگی من

که به نامش

بر تخته مشق کودکیم

سر مشق عشق خویش نوشتم :

آزادی

معشوق من که نگاهش

صبح سپید زندگی من بود

از نفخه های زندگی آرایش

بوی بهشت می آمد.

معشوقِ من که شعرِ دلکشِ یادش
بر تخته مشقِ کودکیم خواناست
آزادی
نغمه شادانِ زندگی ست

ای عشقِ زندگ! میبینمت که دستِ تجاوز
دامانِ عفتت را
آلوده کرده است
و قوادهای بی ناموس
در بهای بکارتت
پا بر سریرِ قدرتِ پوشالی
نهادند.

مردانِ آهنین
زنهای کینه جو
دوشیزگانِ عاشق
در عشقِ پاکِ تو
در روزگارِ ناخوش بارانهای تیر
تن را سپر کنند
صدها هزار مرد و زن و دختر
در راهِ بازیافتنت هر روز
پهنای زندگی را
هنگامه خیزِ یادِ تو سازند
صدها هزار دست
انگشتها به ماشه بیفشارند
تا داغِ ننگ را
از دامن
به خون شویند.

در کوه و دره ها
در شهر و روستا
رگبارهای آتش
در یادِ جانفزای تو بگشایند
با غرش تفنگ
فریادِ خشم و نفرت خود را
سر میدهند
و نام ارجمندِ ترا
تجلیل میکنند.

دشمن ز بیم مرگ
فرو رفته در حصار زرهبوش
او،
از شکنج ترس
لرزان است
اما،
او را،
ز ضرب تیرِ مُبارز امان نیست!!!

هر مادری که مرثیه را مویه میکند
هر کودکی که دردِ پدرکشتگی را
در مشهدِ رهائی
خون گریه میکند
خشم مقدسی ست
کز کوره گداخته دلها
فواره میکشد

هر غرشِ تفنگ
فریادِ ملتهبی را
چون پتکِ آهنین
بر فرقِ دشمنان فرو کوبد.

ای عشقِ زندگی!
آیا تو در غروب،
در بهای این همه قربانی
طلوعی دوباره خواهی کرد؟
تولدِ دگرت، آری
آغازِ فصلِ خوشبختی ست
نگاهِ لطف تو سر چشمهٔ سُور و نشاط
صدای گرم تو جانبخشاست
بهارِ گلشن رویت
در باغِ زندگی پیداست .

در معبدِ سُکوه تو ، آزادی !
طلوع انفجار را
سلام میگویم!!!

(28.12.61)